

افتخار

جبهه ملی آزادبخش

ایستام جنوی

روز ۲۴ سپتامبر سال برای هشتمین بار سالگرد تأسیس جبهه ملی آزادبخش و ایستام جنوی تجدید می شود . این سالگرد تنها برای خلق و ایستام بلکه برای خلقهای سراسر کیتی سالگردی مهم و فراموش نشدنی است . خلق و ایستام جنوی که برای رهائی خود از یوغ امپریالیسم جهانی هیچ راه و امکان دیگری عیر از توسل به جنگ نود ای طولانی نمی یافت ، قهرمانانده با این پیگارد ست برد ، از هیچ مشکل و مانعی هر چند هم وسیع و سهناک بود ، ترسید و برای نیل به هدف نهایی مهم کردید که از بدین هیچ قربانی و تحمل هیچ مصیبتی فروگذار ننماید . تاریخ چندین سال مبارزات دلاورانه خلق و ایستام کوآاست که این تصمیم ناچاه جدخل ناپذیر بوده است . خلق و ایستام جنوی برای رهائی خود از یوغ اسارت امپریالیسم جهانی توصیه های ظاهر فریب روزیونیستهارا رد و افکند ، در تئوری و عمل بهاء و ورزش رفیق مائوتسه دون توسل یافت کسسه پیروزی خلقهای چین و ایستام شمالی و کره شمالی مبین صحت آن بودند .

خلق و ایستام جنوی اطمینان کامل داشت که اگر اسلحه را زمین بگذارد ، به اندر زهای روزیونیستهارا به همزستی صاف آید ، با امپریالیسم تن در دهد ، زخمهای او در ناگور و روان اسارتش طولانی تر خواهد شد . خلق و ایستام جنوی به کلبه داران شمالی خود کلبه مانورهای مزورانه را بازم دامن دفع کرد ، به راه خلبای مطلق " سیاسی " برای " حل مساله ویتنام " تنگ نداد و هر روز پیش ازین منجه ترتر ، مهم تر و بار باره تر به توسعه جنگ توده ای همت گماشت ، امروز نیز که امپریالیسم امریکا در زائر فشار افکار رجحانی و بعثت ای شوامندن به مبارزاتهای چهار ساله ویتنام شمالی ، که تنها اثرش شده است تضعیف امپریالیسم امریکا بوده است ، به قطع بدین قید و شرط این مبارزان تن داده ، در عزم و اراده و خلق و ایستام جلی وارد نیامده است ، نمایندگان ویتنام شمالی و جنوی به اینجهت به صحنه مذاکرات آمده اند که از تکثیر قطع مبارزان ویتنام شمالی بدین قید و شرط بود است و از طرف دیگر شرکت در این مذاکرات یک مانور بکار امپریالیسم امریکا را که خود را در انیم " حل مساله ویتنام از راه سیاسی " معرفی میکند با شکست منتحانه مواجه سازد خلق و ایستام کانا معتقد به آنستکه پیروزی نهایی را مبارزه قهرآمیز توده ها در کل کشور فراهم میسازد ، رفیق هوشی مینه در اعلامیه ای که بهمین مناسبت انتشار داده ، بدستی خاطر نشان میسازد : " تا زمانیکه یک سرباز دشمن در کشورمان باقی است باستی پیگاردکم تاورا هم از سر زمین خود برانیم . بگذارد که مردم کشور ما مردم مبارز و ایستام پرچم ظفر بخش جنگ آزادی بخش توده ای را برافراشته نگاه دارند ، به پیش روند ، تا به پیروزی کامل نائل آیند خلق ما که حدود صد سال است که در استعمار پرورد و پیش از بیست سال است که با امپریالیسم تجاوز میجنگد ، پیش از هر کس در یک صلح علاقه مند است ، ولی این صلح باستی صلحی واقعی باشد و همراه با استقلال و آزادی ما تحقق یابد . "

جبهه ملی آزادبخش و ایستام جنوی نیز که برای درهم شکستن توطئه لیگاسا اخیر امریکا آمدنی خود را مبنی بر شرکت در مذاکرات اعلام توده ای پیش از هر کس در یک معتقد به آنستکه " امپریالیستهای امریکا از راه تجاوز و خونخواری در ویتنام مصرف نکرده اند ، بلکه حتی در تلاش آیند که جنگ را توسعه دهند و حکومت پوشالی ویتنام جنوی را بر سر قدرت نگاه دارند . "

کمتره که جبهه آزادبخش و ایستام جنوی در اعلامیه ای که بهمین مناسبت انتشار داده ، بار یکبار داده شکست ناپذیر خلق و ایستام را که تا پیروزی نهایی مهم به ادامه مبارزه است بیان داشته : " تمام همبندان ما و افراد ارتش رهائی بخش باستی مصعانه و بدین تزلزل به نبرد خود ادامه دهند و تا پیروزی نهایی ازینا نشینند . "

به راه استالین رهسپار شویم

محمول عمده فعالیت پانزده ساله خروش جبهه برترنسف عبارت از اینستکه قنبر استعمارگری که نماینده منافع بورژوازی است - بر اساس اتحاد شخصیت هائی از روشنفکران و از خانواده های قدیم روشن فکری با شخصیت هائی از حزب وحکومت که امروز بریده اند - بدقت رسیده ، این کشور را پسند در حالیکه به زبان طبیقه دارکتر و روشنفکران میبوسد چنین جلوه میدهد که بسود این طبیقه در مبارزه است ، کسانیکه حقیقتاً بسود طبیقه دارکتر عمل میکنند نیازی به مزایا و آسودگیهای نه انگیزات کارگران و روشنفکران حاصل میشوند دارند . در آرد سته فرمانروای شوروی مدتهاست که در خدمت خلق نیست ، این در آرد سته بصورت عده ای در آمده است که از خلق تمذیه میکنند و کلبی خلق را میفشارند .

کارگران ! با هرگونه امتیاز و مزایای کندی با استعمار دار و بسته فرمائید ، که در بسته " کار فرمایان " جدید بورژوازی است ، مبارزه کنید !

در آرد سته فرمانروا و رفو ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی را فصلانه ترقیب میکنند و اینکار فقط بمنظور سرور و خادود در پیش گرفته است بلکه در رجه اول میخواهد ایدئولوژی کارگران و دهقانان را " تفسیر دهد " روحیه انقادی طبیقه دارکتر را بشکند و طبیقه را طوری " بسازد " که در تمام منافع وی قابل استفاده باشد . در آرد سته فرمانروا روشنفکران برای اشاعه افکار زیان بخش بورژوازی مانند فرد کرائی ، خود خواهی ، شهنوت پروری و هرگونه نظریه مبتذل بورژوازی استفاده میکند . بقیه در ص ۳

" گروه استالین " مرکب از فساداران به مارکسیسم-لنینیسم که بفعالیت محفی در اتحاد شوروی مشغول میباشد تراشگی تحت عنوان " به راه استالین رهسپار شویم " منتشر ساخته و پروپاگنرا و سایر جهتگهان شوروی را بر سرنگون ساختن روزیونیستهای ماضی حکومت و با استقرار مجدد در یگانهوری پروپاگنرا دعوت کرده است . اینک تراکت مذکور :

" در طی پانزده سال اخیر یعنی از زمانیکه در آرد سته خروشف - بیرون با بقدرت رسیده تغییرات عمیقی در جلوی همگان در کشور ما روی داده است . معذک هنوز کوشش بسیاری لازم است تا همگان واقف بوضع این تغییرات بی بیرون سرشت حکومت شوروی در کون شده است سیاست ایدئولوژی و اقتصاد دولت هم در کون شده است نتیجه ناگزیر این در کون ها عبارت است از : انشعاب جنبش کمونیستی ، انفرادوسی انتقاری اتحاد شوروی و دشواری وضع داخلی ، ولی رژیم خروشف - بیرون میخواهد با عوام رفیوسی سیاست بازانش ، شکست خویش را بپوشاند و در باره پیروزیها و کامیابیهای در رفیسن جنجال برپا کند ، ناخوشنودی و فشار کارگران و دهقانان ، این در آرد سته را در داشته است که بمنظور تکمیل اری موقعیت شانزل خود و حفظ مزایا و آسودگیهای آنها کارگران و دهقانان جنگ آورده ته خروهای با آنها تشارکند .

رفقا ! یادگنده امور را دریافت ! نیا بدید بپسندان بوی بیرون و صدقه های کاسیون گرفتار آمد !

در زیر جریان سطحی " اصلاحات ارضی " و " تقسیم ارضی " جریان عمیق دیگری در روستای ایران میگذرد که عبارتست از نفوذ سرمایه های کثیر و امپریالیستی .

امپریالیستها و یادی آنها از " اصلاحات ارضی " شاه بطور کل دو هدف داشتند : یکی جلوگیری از انقلاب دهقانی ، که باید آن را هدف عمده دانست ، و دیگر کشاندن ایران به راه سرمایه داری کشور در روستای ایران بر روی سرمایه های امپریالیستی وابسته به امپریالیسم .

از جمله راه های نفوذ سرمایه های کثیر در روستای ایران میتوان این در آرد گرفته : یعنی راه غیر مستقیم فروش ماشین آلات کشاورزی و دیگر اموال مستقیم سرمایه که اری در دام اری و فلاحیت .

راه اول روشن است : با شیوع شیوه استعمار سرمایه داری در ده روزی و ریزان زمینداران به ماشین آلات کشاورزی و ابزار شور و خرمن کوب گرفته تا تملیه های دستی و افزایش می یابد زمینده برای فعالیت کسانیهایی خارجی فروشنده و نمایندگان کسانیهایی ایرانی آنها فراهم میکند . سازمان برنامه که در واقع سازمان برنامه ریزی امپریالیستی در ایران است در مهرماه ۱۳۳۱ بتاسیس " بنگاه توسعه ماشین های کشاورزی " دست زد که چیز دیگری نیست جز واسطه میان کسانیهایی امپریالیستی و مالکان ایرانی .

خلق قهرمان ویتنام تاکنون تمام نقشه های تجاوز داران امپریالیسم امریکا را با شکست مواجه ساخته است . شکست امپریالیسم امریکا ، شکست ارتجاع جهانی است ، پیروزی خلقهای سراسر کیتی بویژه پروپاگنرای جهانی و ملل مستعده آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین را نبوده میبدهد .

بدون شک پیروزی قطعی خلق ویتنام و شکست قطعی امپریالیسم هنوز انجام نرسیده است . بدون شک امپریالیسم امریکا بازم به آزمايشهای دیگری دست میدهد و از هم قربانیان بیشتری میطلبد ، بدون شک هنوز مصائب فراوانی در انتظار خلق ویتنام است . خلق ویتنام ناگزیر است که برای رهائی قطعی خود بازم فداکاری به خرج دهد . ولی در یک واقعیت تردیدی نیست : این جنگ هر چه بیشتر طول انجامد ، شکست امریکا خطرناکتر و متعده تر ویرانتر خواهد بود . این جنگ هرچه بیشتر طول انجامد اتحاد مردم ویتنام بیشتر و نیروی آنها قویتر و پیروزیشان عظیم تر خواهد گشت . اینست قانون اساسی جنگهای توده ای کسسه پیروزی خلقهای چین و ویتنام شمالی و کره شمالی بران صحنه داشته است و امروزه نیز مبارزات خلقهای ویتنام جنوی ، فلذسطین برمه ، تایلند و یگران بران صحنه میگذرد .

فرخنده باد سالگرد تأسیس جبهه ملی آزادبخش و ایستام جنوی

سرمایه های امپریالیستی و وابسته با امپریالیسم

دروستیای ایران

تعمیرگاههاییکه منظور تعمیر ماشین آلات مذکور در برخی از استان ها در آورده ، نیمه مستقیمت نظیر کسانیهایی امپریالیستی است . در همان نخستین روزهاییکه سرودای " اصلاحات ارضی " در ایران بلند شد ، جرائد خبر آورنده که این اقدام " در امریکا خیلی مورد توجه قرار گرفته " و کارخانه فور برای فروش تراکتور به ایران مشغول اقدام شده است .

۱۳۳۴/۸/۱۱ عثیت وزیران بموجب تصویب نامه ای بیک شرف سوئدی اجازه داده " سرمایه لازم را بمنظور تأسیس کارخانه مونتاژ ماشین آلات کشاورزی و کامیون " با شرکت سرمایه های کثیر وری ایران وارد نماید . یک نگاه به مجرات اقتصادی ایران نشان میدهد که چگونه دلالتی که هیچ گونه شرکی در امتداد ندارند ، نمایندگی انحصاری این یات کسانیهایی امپریالیستی را در فروش ماشین آلات کشاورزی و فلاحیت بدست آورد فرمائید کیتی آنها با استعمار روستای ایران مشغول اند .

اما امپریالیستها به سرمایه های امپریالیستی در روستای ایران نیز دست زده اند . این اقدام سابقا هم صورت میگرفت و نمایندگان " اصل " بوسیله سازمان برنامه تحت عنوانی مانند ساختن " م هکده نمونه " و " مرفد اری جدید " و غیره راهی به در ایران کشوده بودند . ولی شیوع آن را باید مربوط بدوران رژیم کودتا و بویژه سالهای اخیر دانست .

بعنوان نمونه میتوان از تصویب نامه عثیت وزیران در آبان ماه ۱۳۳۳ نام برد ، بموجب یکی از آنها بیک کسانیهایی امریکایی اجازه داده میشود که " سرمایه لازم " را بمنظور همکار " شرکست سهامی " در برورد اری و صنایع چوب کلبان " وارد کشور کند . بموجب تصویب نامه دیگر کسانیهایی دیگر امپریالیستی اجازه داده میشود که تا مبلغ ۱۳۵۰۰۰۰ دلار " بصورت اعطای وام با فای اری در شهر " وفاداری جهت اجراء " پروژه کشاورزی و دامداری بشنور وارد نمایند . اساس رژیم کودتا با انعقاد یک سلسله قراردادها با کسانیهایی خارجی بنام " قرارداد کشت و صنعت " دست زد که سرزمینهای وسیعی از زمین مبارز را اختیار استعمارگران بیگانه میکند . در نخستین قرارداد از این نوع بابت شرکت بیوکسه اری منعقد شد و در قرارداد دوم سرمایه ازان امریکایی شرکت کردند . در آبان ماه اساس و لیام وارن کسانیهایی امپریالیستی اصل " در ایران بود و یکی از عمال سرشناس انحصارهای امریکا و اداره بقیه در ص ۳

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته بوجود حزب انقلابی پرولتری است

دوسو اسرایو انومین خبری هست

شادانسانها و حبس و زجر و اعدام مبارزان نه فقط نشان قساوت و جانی تازی جلیبی رژیم محمد رضا شاه است بلکه از اضمحلت و لیری و تسلیم ناپذیری خلق آزاد ایران حکایت میکند . رژیم محمد رضا شاه همانند آن خونی هراس رز های است که هر لحظه حلقه محاصره انسانهای انتقام خیز و پراونگ ترمینش و او را زهر آگین خویش را دیوانه و اربابین - سوآن سوزاله میدهد . رژیم محمد رضا شاه بجه چیز و همه کس ظنین است . از سایه خود نیز میترسد ، به هاری بیسابقه ای گرفتار آمده است . جرات ندارد که یک آن انکتش را از شاهه تنگ بردارد ، همه نوکرانش را و امیدار که بمنظور تسکین " خاطر مبارک " با او از کوهی بخواند و تکرار کند که در کشور ما هفتاد و نه درصد خبیری نیست " در مشرق خبیری نیست " در جنوب و شمال هم خبیری نیست " ولی صغیر کوله هار و ابر میزند که در همه اینجاها و در سراسر ایران زمین خبیری هست " خبیر معاوت روز افزون در برابر رژیم گردتا .

" ثبات رژیم " که اینهمه آزان در میزنند افسانههای بیشتر نیست اگر رژیم محمد رضا شاه نوانسته بود با مانورهای پیشمار خود قشرهای از توده های مردم را بفریبدهد - اگر چه موقتاً بر آنها تکیه زند با نبره های هر روزی فشار احتیاج نداشت ، افزایش فشار شاهانه معاوت است ، کوه عدم ثبات رژیم است .

سیاستی که رژیم گرد تا در نزوحی خطر خیز اعمال میکند نظیر همان سیاستی است که حکومت بیگانه اشغالگر و حکومت ورتشکته جا - تکلیک حکومت تلویزیون در حکومت امروزی پوستانی ساکن اعمال کرده و میکنند همان سیاستی که بنام " استقرار آراش " خوانده میشود و چارتمت اولشگرشی انتقامجویانه بر سر مردم کشتار مبارزان و نقل و انتقال اجباری سکنه - تا چند سال مرکز این استقرار آرا فارسی بود و اینک در استان است . در تاریخ افسانه ای ما در شاهنامه فردوسی گفته میشود که کرد ها با قیامانده مردمانی هستند که ضحاک مار و تن پهل آورد و میز سر آنها را خوراک ماران بی آرام خویش ساخت ، این قصه شاهرو ای آزان کی ویند کنلی خلق کرد است . اکنون ضحاک محاصر میخواید ناروشم ضحاک افسانه ای را تکمیل کند ، منتهاد رفته اول مهر ماهه تن از فرزندان دلیر کرد تیاران شدند و هنوز هم نوبت سخن در کردستان باقی نمانده است اما فقط کوه پنهان می پندارند که با سیاست " استقرار آراش " میخوان نوان اجتماعی را مهار کرد ، این توفان برانگیخته شرایط عینی ایران است و نیروی میلیونها ایرانی زحمتکش را بخود دارد . ستم های کونا کون که مرتجمان بر خلق انقلابی را میبارند تا کزیر اورا سرانجام به تومسه و تقویت انتقاب وادار میکند (مائوتسه وون) هر چندی که از جماع سیریز هزاران نفر را به خونخواهی برمی انگیزد و این خونخواهان نیز بر یازده و بیژان کوله با رژیم محمد رضا شاه سخن خواهند گفت ، تنگ هائی که در کردستان بر دوش شریفزاده و یاراننش بود بمنزله پرستی بیهاری است و مزه میدهد که فصل تازه در حال پیکار رژیم محمد رضا شاه آغاز میشود ، فصل مغالبه زور انتقاب با زور ترحامی .

برینجا هنگام انقلابی ایران است لغفکرده س جنگ انقلابی ، جنگ توده ها و هانت رهبری طبقه کارگر و پیشانی از پیش توده ها رسوخ و هند و در راه تحقق آن عساکام گذارند ، شرایط عینی ایران که جوشش انقلابی که در کوشه و کنارش و در با چشم میخورد ضرورت حزب طبقه کارگر را پیشانی نمایان میکند . پس مارکسیست ها - لنینیسیت ها است که تلم نیروی خود را در راه احیا حزب طبقه کارگر بر عرصه ایران پلارند . ازند - " ما باید سایه هر رفیقی که هر که باشد مشروط بر اینکه بخواهد بزنامه اساسنامه و تصمیمات حزب را اجرا نماید وحدت شیم " (مائوتسه وون) وجود حزب طبقه کارگر شرط ضروری پیروزی در جنگ انقلابی توده های

پیروزی عظیم انقلابی در چین توده های

دوازدهمین بلنوم کمیته مرکزی منتخب هشتمین لشکر حزب کمونیست چین (۲۱ مه ۱۹۴۷) از آن جهت که تجارب دوسال انتقاب کبیر فرهنگی پرلناریان چین را جمع بندی کرده دارای اهمیت بسیار است .

" دوازدهمین بلنوم کمیته مرکزی منتخب هشتمین لشکر حزب کمونیست چین متغیر بر آنست که انتقاب کبیر فرهنگی پرلناریان که شخص رفیق مائوتسه درون پیشوای بزرگ ما برانگیزنده و رهبر آن است ، انتقاب سیاسی عظیمی است که پرلناریا در شرایط پیکانو پرلناریا بر ضد بورژوازی و سایر طبقات استثمارگر انجام میدهد . . .

برایک انتقاب کبیر فرهنگی پرلناریان ثابت کرد که همچنان که رفیق مائوتسه درون گفته است این انتقاب برای تحکیم و پیکانو توری پرلناریا و جلوگیری از " اسباب " سرما به اری برای ساختمان سوسیالیسم ضرورت کامل دارد و بسیار موقع است . . . در طی دو سالی که یکی از فرنیج ترین و واحد ترین مبارزات طبقاتی جریسان یافت توده های خلق و ضد هاملین انسان ، بقیاسی که از لحاظ دامنه و عمق بیسابقه بوده است ، پسین شدند و با پشتیبانی ارتش تجدیدنشین چین و در طی زور آزمایهای مکرر طبقاتی با افره مستبد بورژوازی را که لیوناشوسمی در بر آن قرار داشت و تلاش میبوده میخواست رهبری حزب ، دولت و ارتش را غصب کند در هم شکستند ، ایادی او را در مناطق مختلف انزای در آوردند و قدرت را از آن عاصیان بازستاندند . دیکته های انقلابی در ۱۹۴۷ ایالت و شهر را پی تابع مقامات مرکزی و منطقه خود مختار یعنی در سراسر کشور استانتا استان تایوان برقرار شد . . .

" بلنوم خاطر نشان میسازد که تاریخ انتقاب کبیر فرهنگی پرلناریان کلمی پیش از دوسال از سیران میگذرد تاریخ مبارزه حادی است بین دو طبقه " چین در راه زمین دوسیاست ، کانون ایسن مبارزه عبارتست از مسئله حکومت ، مسئله مبارزه میان پرلناریا و بورژوازی برای تصرف مقامات رهبری ، مسئله اینکه چه کسانی رهبری حزب و دولت را در دست خواهند گرفت ، مارکسیستها یا بورژوازیستها . . .

" بلنوم بر آنست که حزب توده های انقلابی در طی انتقاب کبیر فرهنگی پرلناریان نظام از چهره ضد انقلابی لیوناشوسمی - سر گرفتند و این امر پیروزی عظیم آندیشه مائوتسه وون و پیروزی عظیم این انتقاب بشمار میآید . . .

بلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بویژه در نتیجه عسده انتقاب کبیر فرهنگی پرلناریان را مورد مطالعه قرار داد ؛ یکسی تحکیم حزب کمونیست چین و رهبری طبقه کارگر و دیگر تشکیم کمیته های انقلابی .

روز و نیمه تمام با یزد شفتان و تکرنگ مارکسیسم - لنینیسیم باگمتسخی تمام به پیش این افتراء است زد و میزنند که کویا انتقاب کبیر فرهنگی پرلناریان در چین بدون رهبری حزب و حتی بر طبقه حزب صورت گرفته و بگیرد ، ولی همه میدانند که سرآقا آرموزر کتاب سخج مربوط به حزب است ، در آنجا رفیق مائوتسه درون میگوید : " حزب کمونیست چین هسته رهبری کننده تمام خلق چین است ، سوسیالیسم بدون این هسته نمیتواند پیروز شود " . اما حزب کمونیست فقط در طی مبارزات انقلابی و از طریق مبارزات درونی ، با طرد کهنه و جذب نمیتوان در سطح شایسته ایفا وظایفش را نگاه داشت و ارتقا داد ، اگر حزب مجبور شود ، اگر برخی از کارها رهبری آن پیشروی در راه انتقاب با زمانند ، اگر بورژوازی بر حزب چیره کرد و در آن صورت حزب در ایفا وظایف خود در ماند نخواهد شد . انتقاب کبیر فرهنگی پرلناریان چین جنبش بی نظیری در راه تهدید و تحلیم و جوان ساختمان حزب کمونیست چین بود ، هر هسته این انتقاب که تحت رهبری شخص رفیق مائوتسه درون و بر اساس

از آخرین لحظه که کوله ها قلم را خواهد شکافت افتخار پیوستگی را با خلق چون پیک سنگینی بر سر دشمنان میگذرد ، تردید ندارد که خلق قهرمان ما ، رینشایش آن طبقه کارگر ، فانیسم را زنده و بکرو خواهد کرد و پیروزی لاشه آن بنای زندگی شاد و آسوده خود را بر خواهد افراشت .

از آخرین نامه منوچهر محتاری (سنوان یکم) عضو حزب توده ایران که در ۲۱ مرداد ۱۳۳۴ اعدام شد .

دانشجویان

دوروزین اسامال محمد رضا شاه کفر اسحق بشروا با بوق و کرنا در تهران برگزار کرد تا اختناق و ترور رژیم را از جهانیان بیوشان نشان دهد ، رفیقان سربک اعتراضات دانشجویان دانشگاه های تبریز ، تهران ، شیراز و اصفهان که از ماها قبل امداد انیبت نشا هری به مکرر می کشد ، ولی آنچه محمد رضا شایر برای پوشش جناحی حویش می آفریند با موج جدیدی از تظاهرات و تظاهرات و مقاومت در زهم در دین میسر و رژیم محمد رضا شاه است که از سرتست زون خود پیروی کرد و برای حفظ خویش به جنایت تازه ای پیرا رژیم در مقابل مبارزه خلق کرد ، به فرستادن ارتش برای سرکوبی مبارزه آزاد و خواهان آنان اشکنا نمود بلکه با بیرحمی تمام اجساد عده های از مبارزان را لیکر رابه پشت ماشین در خیابانهای شهر کشانید ، مجرمانه که از میان اختناق حاکم را بران بکش میرسید در زمین حال حالی از موج مبارزه دانشجویان درون ایران بسوزید ، دانشجویان برای تخلیل شهریه دانشگاه به تظاهرات صفی پردا جواب میدهند رضا شاه به این ابتدائی ترین خواست دانشجویان چه بود ؟ دستگیری دانشجویان ، فرستادن آنان به سرازای زندان متعدد و دستگیر شدن زندانیان ، شکنجه شدن کان و سرباز فرستادن متدگان در ماههای اخیر ، هر یکس چیز خود رژیم معلوم نیست ، این از خصوصیات رژیم است که مطابق رژیم پنهان دارد محیط اختناق در ایران به محمد رضا شاه امان پوشاندن حقایق را میدهد ، اما تومسه به ضد های فانیستی حتی از خش اخبار به وسط به اعتراضات دانشجویان درون ایران نیز جلوگیری کرد ، در چنین شرایطی است که مبارزه وسیع و یکپارچه دانشجویان ایرانی خارج از کشور ضروری است به رژیم محمد رضا شاه و کنگ قابل توجهی است به مبارزات خلق ایران در درون کشور .

مبارزه دانشجویان برای افسانه جنایت رژیم در مقابل خلق کرد و مارش بین کله وین که از طرف کفد راسین جهانیان محصلین و دانشجویان ایرانی ترتیب داده شده بود اجازه نداد که محمد رضا شاه اختناق خود را به دانشجویان خارج از کشور نیز تحمیل کند ، پس از آگاهی از قصد رژیم پنهان بر محاصره ۱۷ دانشجوی و روشنگر ایرانی و امداد زندانیان دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا به تدارک ایاری وسیع پرداختند ، اعلامیه ها ، سخنرانیها و محسسی اشغال سفارتخانه در روز زمینه مبارزه قاطع را فراهم ساخته است ، بر اثر این مبارزات که بر پایه اتحاد و همدلی توده های دانشجویی صورت گرفته و هر لحظه اوج میگیرد ، رژیم مجبور شده است که دستگیر و محاصره ۱۷ نفر اضرائی شد ، اعتراضی که به حال مورد دست رژیم نبود ، هم اکنون شور مبارزه و یکپارچه بد بخاطر طر هائی زندانیان سیاسی و قربانیان رژیم در میان دانشجویان ایرانی منم اروپا و

از آخرین نامه

تا آخرین لحظه که کوله ها قلم را خواهد شکافت افتخار پیوستگی را با خلق چون پیک سنگینی بر سر دشمنان میگذرد ، تردید ندارد که خلق قهرمان ما ، رینشایش آن طبقه کارگر ، فانیسم را زنده و بکرو خواهد کرد و پیروزی لاشه آن بنای زندگی شاد و آسوده خود را بر خواهد افراشت .

از آخرین نامه منوچهر محتاری (سنوان یکم) عضو حزب توده ایران که در ۲۱ مرداد ۱۳۳۴ اعدام شد .

رهائی خلق ایران در پی پیروزی جنگ توده های است